

بررسی تحلیلی مناسبات حوزه و نظام اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خامنه‌ای*

علی اکبر عالمیان**

چکیده

موضوع «نسبت بین حوزه و نظام اسلامی» از مسائل مهم سیاسی تاریخ معاصر به شمار می‌آید. این مهم به‌ویژه به‌خاطر تأسیس نظام جمهوری اسلامی توسط روحانیت از اهمیت دوچندان برخوردار است. این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی و نیز تحلیل محتوا است درصدد پاسخ به این پرسش است که «نسبت بین حوزه و نظام اسلامی از منظر امام خامنه‌ای چگونه تحلیل می‌شود؟» نتیجه این پژوهش این است که از منظر مقام معظم رهبری جریان‌های سیاسی حوزه، عموماً به دو دسته جریان موافق و مخالف با انقلاب تقسیم می‌شوند. رابطه جریان موافق با انقلاب در حوزه و حکومت، تنگاتنگ، تعاملی و حمایتی باید باشد. ایشان به چهار شبهه برآمده از این مسئله، جواب می‌دهند که شامل نقض استقلال حوزه‌ها، دورماندن از درس و بحث، قداست‌زدایی از پیکره حوزه و روحانیت و شبهه آخوند حکومتی می‌شود.

واژگان کلیدی: حوزه علمیه، نظام اسلامی، نسبت بین حوزه و نظام، سکولاریسم.

*. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم و دستاوردها و نکوداشت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) تألیف شده است.

** استادیار جامعه المصطفی العالمیه ع، najval10@gmail.com

مقدمه

حوزه علمیه به معنای مرکز تحصیل، آموزش و فراگیری علوم دینی با در اختیار داشتن گنجینه به یادگار مانده از خاندان نبوت و عترت، فرهنگ بی نظیری در تمام زمینه‌های علمی، اجتماعی و نیز سیاسی از خود به یادگار گذاشته است (مهدی محقق؛ صدر حاج سیدجوادی؛ کامران فانی؛ بهاء‌الدین خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۵۴۹). نخستین حوزه‌هایی که در اسلام شکل گرفت، حوزه مکه و مدینه بود، حوزه مدینه پس از رسول اکرم ﷺ، مرکزیت علمی خود را حفظ کرد و در عصر امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام رونق جدی یافت. کوفه نیز از شهرهایی بود که در صدر اسلام در آن، مساجد نقش مدرسه را داشتند، البته در کنار مساجد، در منازل نیز درس برپا بوده است و به تدریج مدارس و دارالعلم‌ها بنیاد گردید (صافی گلپایگانی، ۱۴۳۰ ق، ص ۲۹-۳۳). در حال حاضر حوزه علمیه قم به عنوان مهم‌ترین حوزه علمیه جهان تشیع در حقیقت آموزش، تربیت و پرورش طلاب علوم دینی شیعه و برخی وظایف دیگر مانند نظارت بر تبلیغات و امور دینی در جمهوری اسلامی ایران را بر عهده دارند.

بدون تردید تأسیس نظام جمهوری اسلامی توسط روحانیت را باید مصداق بارز حضور روحانیان در عرصه سیاست دانست، البته وجود فقیه سیاست‌مداری چون امام خمینی علیه السلام معنا و مفهوم ویژه‌ای به حوزه ضد سکولاری داد، ایشان که دغدغه دفاع از دین را داشتند، از بی تفاوتی برخی از روحانیان نسبت به وقایع پیرامون رنج می‌بردند و نسبت به آن واکنش نشان می‌دادند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۱۱) و تأسیس نظام اسلامی پاسخی مناسب به اندیشه خطرناک حوزه سکولاری و بی‌اثر بود؛ اندیشه‌ای که در تلاش بود تا کارکرد روحانیت را تنها در محراب مساجد جستجو کند. با تأسیس این نظام، روحانیت اصیل نقش محوری در اداره امور کشور پیدا کرد و رسماً پیوند دین با سیاست و محو شعار و تلاش سکولارها، معنا و مفهوم واقعی یافت و به عبارتی باید گفت: تشکیل حکومت اسلامی توسط امام خمینی عالی‌ترین مصداق حضور روحانیان در عرصه سیاست را رقم زد. با توجه به این رویکرد شایسته و بایسته است که معیار همکاری بین حوزه و نظام اسلامی و نیز نسبت بین آن دو مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد، از این روی در این نوشتار



درصد پاسخ به این پرسش هستیم که «نسبت بین حوزه و نظام اسلامی از منظر امام خامنه‌ای چگونه تحلیل می‌شود؟» برای یافتن پاسخ به پرسش مطرح شده، باید ابعاد رابطه حوزه و حکومت مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

در یک نگاه اجمالی نسبت به رابطه حوزه و حکومت، می‌توانیم بگوئیم که رهبر معظم انقلاب اسلامی رابطه بین این دو را تنگاتنگ، تعاملی و حمایتی می‌داند، در جهت بررسی و تبیین این نگاه ضروری است ابعاد این رابطه را اینگونه توضیح دهیم:

۱. حوزه‌های علمیه منشأ و مبدع نظام اسلامی

نکته اولی که می‌توان از دیدگاه ایشان استنباط کرد، این معناست که «نظام، مرتبط و متصل و همزاد است نسبت به روحانیت، اگر روحانیت نبود، شما بدانید این نظام تشکیل نمی‌شد؛ این انقلاب پیروز نمی‌شد. ... اگر جامعه روحانیت نبود، این انقلاب پیروز نمی‌شد؛ تا صد سال دیگر هم پیروز نمی‌شد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱ / ۷ / ۱۹) بنابراین حوزه باید «نظام جمهوری اسلامی را از خود بداند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹ / ۷ / ۱۴)، ایشان هم حوزه را مادر و مولد نظام می‌دانند: «حوزه علمیه قم، مادر این نظام است؛ به وجود آورنده و مولد این انقلاب و این حرکت عظیم است. یک مادر چگونه می‌تواند از زاده خود، از فرزند خود غافل بماند، نسبت به او بی‌تفاوت باشد، در هنگام لازم از او دفاع نکند؟ ممکن نیست» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹ / ۷ / ۲۹) و هم اینکه خود را سرباز پا در رکاب نظام قلمداد کند: «حوزه‌های علمیه باید خود را سربازان نظام بدانند، برای نظام کار کنند، برای نظام دل بسوزانند، در خدمت تقویت نظام حرکت کنند و این درست عکس آن چیزی است که سیاست سرویس‌های امنیتی انگلیس، آمریکا، اسرائیل و دیگران دنبال می‌کنند. آنها تلاش می‌کنند بلکه بتوانند یک منفذی پیدا کنند... برای اینکه فاصله بین نظام و روحانیت را برجسته کنند؛ القاء کنند که چنین فاصله‌ای وجود دارد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱ / ۷ / ۱۹) «دشمن انقلاب، جامعه روحانیت را در صورتی تحمل می‌کند که روحانیون از دخالت در امور سیاست و حضور در صحنه‌های انقلاب کنار بکشند ... و کشور و زندگی مردم را به آنان بسپارند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹ / ۳ / ۱۰).

۲. نیاز متقابل

نکته دومی که در این مورد می‌توان از دیدگاه رهبر انقلاب استنباط کرد، نیاز متقابل حوزه و نظام به هم می‌باشد. حوزه به نظام احتیاج دارد: «حوزه علمیه در این دوران، جوهر حیات و رشد و بالندگی خود را مرهون انقلاب اسلامی و امام عظیم‌الشان آن و مجاهدت‌های ایثارگرانی است که به عشق دین خدا و به امید حاکمیت آن، جان و تن خود را به میدان فداکاری بردند» (پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت تشکیل شورای سیاست‌گذاری حوزه، ۲۴/۸/۱۳۷۱) به تعبیر ایشان: «انقلاب اسلامی که از حوزه و به رهبری برجسته‌ترین فرزندان و تربیت شدگان آن، سر کشید و امواج جهانی را در جهت عکس تدابیر و امیدهای استکبار، هدایت کرد، حوزه علمیه را نیز درخشش و جذابیت و اعتباری تازه داد و بذر امید و روشن‌بینی و عشق به حرکت را در آن کاشت»؛ (همان) چرا حوزه به نظام مدیون است؟ به این خاطر که: «نظام اسلامی یک امکان عظیمی را در اختیار داعیان الی‌الله و مبلغان اسلام قرار داده. کی چنین چیزی در اختیار شما بود؟ امروز یک طلبه فاضل در تلویزیون می‌نشیند نیم ساعت حرف می‌زند، ده میلیون، بیست میلیون مستمع از روی شوق به حرف او گوش می‌دهند. کی چنین چیزی برای من و شما در طول تاریخ روحانیت، از اول اسلام تا حالا، وجود داشته؟ این اجتماعات بزرگ کی وجود داشت؟ این نماز جمعه‌ها کی وجود داشت؟ این همه جوان مشتاق و تشنه معارف کی وجود داشت؟ ... این فرصت تا امروز کی برای روحانیت وجود داشت؟» (بیانات در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی، ۱۹/۷/۱۳۹۱) از آن طرف هم نظام احتیاج متقابل نسبت به حوزه دارد: «خون پاک علما و فضلا و طلبی که در این راه جامه شهادت پوشیدند، به این نهال الهی رشد و رونقی بی‌سابقه بخشید و آن را تا دوران‌های طولانی بیمه کرد.» (پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت تشکیل شورای سیاست‌گذاری حوزه، ۲۴/۸/۱۳۷۱) چرا نظام به حوزه نیاز دارد؟ زیرا: «امروز دستگاه قضایی در زمینه فقهی، نیازمند حوزه‌های علمیه است و دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذاری، بیشتر احتیاج دارند. دانشگاه‌ها، نیروی نظامی، کارخانه‌ها و تمام اقشار ملت، نیازمند حوزه‌های علمیه‌اند. همچنین، این نظام، در رأس خود کسی را می‌خواهد که پرورده این حوزه‌ها باشد. این



همکاری و همگامی باید به شکل صحیح آن باشد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۶/۹/۱۳۷۴). در یک کلام: «اگر نیاز جامعه و حکومت اسلامی و اقامه آن مطرح است، می‌بایست حوزه علمیه آن را تأمین کند» (بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۴/۶/۱۳۷۴).

۳. لزوم تعامل و تعاون

نکته سومی که از فرمایشات رهبر انقلاب استنباط می‌شود، لزوم تعامل و تعاون حوزه و نظام است: «ارتباط حوزه علمیه با نظام اسلامی در تدوین اصول اساسی و پایه‌های مقررات اسلامی خلاصه نمی‌شود، بلکه ربط این دو، در همه ابعاد، ربط منطقی و مبنی بر تعاون است. نظام اسلامی، حوزه علمیه را همچون پشتوانه معنوی خود عزیز می‌دارد و حوزه علمیه، نظام اسلامی را همچون فضای مناسبی برای رشد و تکامل خود مغتنم می‌شمرد. هر یک، کمک و پشتیبان آن دیگری است، این درک و احساس دو جانبه باید روزبه‌روز قوی‌تر و واقعی‌تر گردد» (پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت تشکیل شورای سیاست‌گذاری حوزه، ۲۴/۸/۱۳۷۱). به تعبیر ایشان: «نظام جمهوری اسلامی به طبیعت خود، نظامی وابسته به علمای دین است و علمای دین، هم از این حیث که در پدیدآوردن این نظام سهم وافر را داشته‌اند و هم از این جهت که مردم درباره نظام به آن‌ها مراجعه می‌کنند و هم از این جهت که خود از جهات مختلف و در مشاغل مختلف، در نظام مسؤوند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰).

پاسخ به چهار شبهه، درباره رابطه حوزه و حکومت

هرچند پس از تأسیس نظام و حضور جدی روحانیت در رأس سیاست، عده‌ای این مسئله را برمی‌تافتند، اما عزم راسخ امام بر حضور منطقی و البته پدرانۀ روحانیان در عرصه اجتماع و سیاست، مهر باطلی بر این تلاش‌ها بود، البته بی‌گمان باید یکی از جامع‌ترین پاسخ‌ها در مورد این پرسش را در سخنان متعدد مقام معظم رهبری جستجو کرد، معظم‌له در این مورد معتقدند: «نسبت روحانیت با نظام اسلامی، نسبت روشنی است. نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی، نسبت حمایت و نصیحت است... حمایت در کنار نصیحت، دفاع در کنار اصلاح» (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۹/۷/۱۳۸۹)، این فرمایشات رهبر انقلاب به این معناست که حوزه هم باید از نظام حمایت کند و هم این که در صورت

دیدن نقایص و کاستی‌ها از آن انتقاد کند و درصدد اصلاح برآید، ایشان در تبیین بیشتر این مسئله می‌گویند: «نظام به لحاظ نظری و علمی محتاج علمای دین و حوزه‌های علمیه و مستظهر به تلاش علمی آنهاست، نظام متکی به حوزه‌های علمیه است؛ متکی به علما، برجستگان و صاحب‌نظران دینی است ... لذا نظام موظف به حمایت از حوزه‌های علمیه است، چون تکیه‌گاه اوست ... حقیقت این است که این دو جریان عظیم - یعنی جریان نظام اسلامی و در دل آن، جریان حوزه‌های علمیه - دو جریانی هستند که به هم مرتبط و متصل هستند، سرنوشت آنها یکی است؛ این را همه بدانند. امروز سرنوشت روحانیت و سرنوشت اسلام در این سرزمین، وابسته و گره خورده به سرنوشت نظام اسلامی است. نظام اسلامی اندک لطمه‌ای ببیند، یقیناً خسارت آن برای روحانیت و اهل دین و علمای دین از همه‌آحاد مردم بیشتر خواهد بود» (همان).

در این میان چهار شبهه مهم پیش می‌آید، شبهه اول: اینکه آیا تعامل و ارتباط بین حوزه و حکومت، موجب نقض استقلال حوزه‌ها نمی‌شود؟ شبهه دوم: اینکه آیا دخالت طلاب در سیاست مانع از وظیفه اصلی آنان که همان درس خواندن است، نیست؟ شبهه سوم: اینکه آیا دفاع از حکومت و ورود در عالم سیاست موجب قداست‌زدایی از پیکره حوزه و روحانیت نخواهد شد؟ و شبهه چهارم: اینکه آیا موجب نخواهد شد که مردم روحانیان را آخوند حکومتی بنامند؟ با بررسی بیانات رهبر فرزانه انقلاب می‌توان پاسخ به پرسش‌های فوق را پیدا کرد.

شبهه اول؛ نقض استقلال حوزه‌ها

اولین شبهه‌ای که پیرامون لزوم سیاسی بودن حوزه‌ها و حمایت روحانیت از نظام و حکومت، پیش می‌آید، شبهه نقض استقلال حوزه است. این شبهه به دنبال مطرح کردن این پرسش است که آیا تعامل و ارتباط بین حوزه و حکومت موجب نقض استقلال حوزه‌ها نمی‌شود؟ رهبر معظم انقلاب به روشنی در مورد این شبهه پاسخ داده‌اند. ایشان با طرح این پرسش که: «آیا حمایت نظام اسلامی از حوزه‌های علمیه می‌تواند به استقلال حوزه‌های علمیه خللی و لطمه‌ای وارد کند یا نه؟ آیا این کار مجاز است یا نه؟» (همان) معظّم له برای پاسخ به این پرسش سه اصل را مطرح می‌کنند:



الف) اصل استقلال حوزه‌ها

ایشان قبل از هر چیز بر اصل استقلال روحانیت تأکید می‌کنند. به تعبیر ایشان: «حوزه‌های علمیه همیشه در طول تاریخ مستقل بودند؛ نه فقط در دوران حکومت‌های معارض با تشیع، بلکه حتی در دوران حکومت‌های شیعی؛ یعنی آن وقتی که صفویه در رأس کار قرار گرفتند و علمای بزرگی مثل محقق کرکی و پدر شیخ بهائی و بزرگان زیادی به ایران آمدند و در مناصب گوناگون دینی قرار گرفتند، هرگز این علما و شاگردان و تربیت‌شدگان آنها مقهور سیاست صفویه نشدند و در اختیار آنها قرار نگرفتند. بله، کمک می‌کردند، همکاری می‌کردند، از آنها تعریف و تجلیل می‌کردند؛ اما در قبضه آنها نبودند، به اختیار آنها نبودند... روحانیت شیعه همیشه این‌جور بوده، همیشه مستقل بوده، هرگز در قبضه قدرت‌ها قرار نگرفته است؛ امروز هم همین‌جور است، بعد از این هم باید همین‌جور باشد و به توفیق الهی همین‌جور خواهد بود» (همان).

ب) حمایت غیر از وابستگی است

دومین اصلی را که ایشان مطرح می‌کنند، مسئله توطئه‌ای است که دشمنان ایجاد می‌کنند به این گونه که با طرح شبهه نقض استقلال حوزه‌ها، درصدد ایجاد انشقاق بین حوزه و نظام هستند. رهبر انقلاب این شبهه را با ارائه این نظریه که «حمایت غیر از وابستگی است»، پاسخ می‌دهند: «اما در اینجا هم مراقب باشید یک مغالطه دیگری به وجود نیاید؛ استقلال حوزه‌ها به معنای عدم حمایت نظام از حوزه و حوزه از نظام تلقی نشود؛ یک عده‌ای این را می‌خواهند. بعضی‌ها می‌خواهند به عنوان استقلال و به نام استقلال، رابطه حوزه را با نظام قطع کنند؛ این نمی‌شود. وابستگی غیر از حمایت است، غیر از همکاری است. نظام به حوزه مدیون است؛ باید به حوزه‌ها کمک کند» (همان).

ج) حمایت نظام یک وظیفه است

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از سویی دیگر، حمایت‌های مادی و معنوی نظام جمهوری اسلامی ایران به حوزه‌ها را نیز از وظایف این نظام می‌داند که حوزه و روحانیت نیز آن را با عزت و با مناعت می‌پذیرد و این قضیه، هیچ ارتباطی با نفی استقلال حوزه‌ها ندارد: «حوزه پشتیبانی‌های گوناگون را از سوی نظام می‌پذیرد، با عزت و با مناعت. این پشتیبانی‌هایی که

امروز نظام از حوزه‌های علمیه می‌کند و باید هم بکند و باید هم بیشتر بشود، اینها وظائفی است که دارد. فقط هم پشتیبانی مادی نیست. امروز بحمدالله مهم‌ترین و عمومی‌ترین تربیون‌های ملی در اختیار فضلاء حوزه‌های علمیه، در اختیار مراجع معظم است؛ اینها حمایت است، اینها حمایت‌های نظام است. نظام اسلامی باید این حمایت‌ها را بکند، به دلیل همان پیوندی که گفته شد. پس این مسئله، دخالت و استقلال را نبایستی با آن حقایقی که در این باب وجود دارد، مخلوط کرد» (همان). منطق این گفتار نیز کاملاً مشخص است: «نظام اسلامی پشتوانه‌اش علمای دین و علمای صاحب‌نظر و نظریات اسلامی است؛ لذا نظام موظف به حمایت از حوزه‌های علمیه است، چون تکیه‌گاه اوست. علاوه بر اینها که نظام اسلامی برای اداره ملت و کشور نیازمند به حوزه‌هاست» (همان).

این بیانات مقام‌معظم‌رهبری در واقع جامع‌ترین و کامل‌ترین پاسخ به شبهه نقض استقلال حوزه به شمار می‌آید، نسبت «حمایت متقابل»؛ یعنی احساس مسئولیت حوزه‌ها نسبتی به نظامی که خود مولد آن بوده است، به مانند یک مادر که فرزند خود را دوست می‌دارد و در راه بالندگی آن می‌کوشد، نظام جمهوری اسلامی نیاز مبرم به روحانیان دارد تا با پاسخ‌گویی به شبهات و تلاش جهت کادرسازی معرفتی و تحکیم بنیان‌های فکری جامعه و حکومت براساس معارف دینی به تقویت آن بپردازد و در مقابل نیز حوزه‌ها نیز از این نظام حمایت می‌کند تا این مولود مبارک به رشد و بالندگی خود ادامه دهد. این معنا خود بهترین عکس‌العمل در برابر سکولارها و متحجرین خواهد بود.

شبهه دوم؛ دورماندن از درس و بحث

دومین شبهه‌ای که پیرامون لزوم سیاسی بودن حوزه‌ها و حمایت روحانیت از نظام و حکومت، پیش می‌آید، شبهه دورماندن از درس و بحث است. این شبهه به دنبال طرح این پرسش است که آیا دخالت طلاب در سیاست مانع از وظیفه اصلی آنان که همان درس خواندن است، نمی‌شود؟ رهبری برای پاسخ به این شبهه، به دو مسئله اشاره می‌کند. مسئله اول اینکه درس خواندن یکی از کارهای اساسی یک طلبه است و همه کار او محسوب نمی‌شود: «ما هنوز در اول کاریم. هیچ کس تصور نکند که روحانیت تلاش خود را کرد و به نتیجه رسید، پس برویم بنشینیم فقط مشغول کارهای شخصی یا درس خواندن خودمان باشیم. البته، درس خواندن یکی از کارهای اساسی است؛ اما همه کار نیست. روحانیت، در



آغاز کار است... باید تلاش کنیم» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸ / ۱۲ / ۲). مسئله دوم هم اینکه حضور در میدان سیاست، نه تنها با درس خواندن منافات ندارد؛ بلکه مؤید درس خواندن است: «طلاب عزیز و فضیلا جوان، نباید حتی برای یک لحظه، حضور در میدان‌های گوناگون را فراموش کنند. این حضور، با درس خواندن منافات ندارد؛ بلکه مؤید درس خواندن است. همان‌طور که امام بزرگوار در پیام فراموش نشدنی خود فرمودند، فضلا و جوان‌هایی که تفقه را در میدان‌های خودش فرا گرفتند و مُنذر قوم خود شدند و میدان جنگ را میدان آزمایش نفس و تکامل معنوی خویش قرار دادند و پیش رفتند، این میدان‌ها را رها نکنند. امروز هم خطوط و میدان‌ها و صحنه‌های نظامی و غیرنظامی و فرهنگی، محتاج حضور فعال شماست. مدرّسان معظم و محترم و اساتید حوزه علمیّه قم و سایر حوزه‌ها، طلاب را به سمت هدف‌های انقلابی و اسلامی سوق بدهند» (همان).

شبهه سوم؛ قداست‌زدایی از پیکره حوزه و روحانیت

شبهه سوم، شبهه قداست‌زدایی از پیکره حوزه و روحانیت است. این شبهه درصدد است تا این نکته را القا کند که دفاع از حکومت و ورود در عالم سیاست موجب قداست‌زدایی از پیکره حوزه و روحانیت خواهد شد. رهبر معظم انقلاب، نام این شبهه را «مغالطه» می‌گذارد و اینگونه به آن جواب می‌دهند: «در اینجا یک مغالطه‌ای هست که باید به آن اشاره کنم. ممکن است بعضی بگویند اگر حوزه‌های علمیه وارد مسائل جهانی، مسائل سیاسی، مسائل چالشی نمی‌شدند، اینقدر دشمن نمی‌داشتند و محترم‌تر از امروز بودند. این مغالطه است. هیچ جمعی، هیچ نهادی، هیچ مجموعه‌ای با ارزشی به‌خاطر انزوا و کناره‌گیری و گوشه‌نشینی و خنثی حرکت کردن، هرگز در افکار عمومی احترام برانگیز نبوده است، بعد از این هم نخواهد بود. احترام به مجامع و نهادهای بی‌تفاوت و تنزه‌طلب که دامن از مسائل چالشی برمی‌چینند، یک احترام صوری است؛ یک احترام در معنا و در عمق خود بی‌احترامی است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹ / ۷ / ۲۹).

شبهه چهارم؛ آخوند حکومتی

چهارمین شبهه‌ای که در این زمینه پیش می‌آید شبهه «آخوند حکومتی» است. این شبهه

درصد است که اینگونه القا کند که حضور حوزه‌ها در میدان سیاست موجب خواهد شد تا مردم روحانیان را آخوند حکومتی بنامند و این مسئله، وهن روحانیت شیعه خواهد بود. مسئله «آخوند حکومتی» و «حکومت آخوندی» از آن دست تعابیر حساب شده‌ای است که دشمنان در افواه انداخته و درصد فراگیر کردن آن می‌باشند. اینکه هدف آنان از طرح این شعار انحرافی و خطرناک چه بوده است، بحثی را می‌طلبد که شاکله اصلی این نوشتار بر همان بحث استوار است؛ یعنی ترویج اندیشه سکولاریسم در بدنه حوزه‌های علمیه. در واقع هدف اصلی سکولارها و معاندین از طرح حکومت آخوندی یا آخوند حکومتی، بی‌ارزش جلوه دادن نظام‌سازی روحانیت و حضور آنان در عرصه سیاست و اجتماع و در یک کلام، ترویج اندیشه جدایی دین از سیاست است. رهبر معظم انقلاب طرح این شبهه را تهمت دشمن می‌نامند که یک تاکتیک حساب شده از سوی آنان نیز به شمار می‌رود: «بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دو عنوان و دو مفهوم غلط و انحرافی به وسیله کسانی که هم با روحانیت بد بودند، هم با انقلاب دشمن بودند، در ذهن‌ها مطرح شد ... این دو مفهوم غلط و در واقع دو تهمت را دشمن به‌عنوان تاکتیک مطرح کرده است: یکی طرح مسئله حکومت آخوندی است. می‌گویند در ایران حکومت آخوندی، حکومت روحانی بر سر کار است. این را نوشتند، گفتند، ترویج کردند، تکرار کردند. دیگری طرح موضوع آخوند حکومتی است؛ تقسیم آخوند به حکومتی و غیر حکومتی» (همان)، ایشان هدف از مطرح شدن مسئله آخوند حکومتی و حکومت آخوندی را نیز اینگونه بیان می‌کنند: «هدفشان از طرح این دو مفهوم انحرافی و غلط این بود که اولاً نظام اسلامی را از پشتوانه عظیم فکری و نظری و استدلالی و علمی علمای دین محروم کنند؛ ثانیاً روحانیت مسئول را، روحانیت انقلابی را، روحانیت حاضر در صحنه را که در مقابل دشمنی‌ها سینه سپر کرده است، به خیال خودشان منزوی کنند، بدنام کنند؛ یعنی آخوند یک نوعش حکومتی است که این بد است، منفی است، ضد ارزش است؛ یک نوعش غیرحکومتی است که این مثبت است، این منزه است» (همان). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای این شبهه را «حقیقتاً انحرافی و خصمانه» می‌خوانند، استدلال‌های ایشان بر انحراف و خصمانه بودن این شبهه را می‌توان به صورت خلاصه اینگونه بیان کرد: (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹ / ۷ / ۲۹)



۱. «جمهوری اسلامی حکومت ارزش‌هاست، حکومت اسلام است، حکومت شرع است، حکومت فقه است، نه حکومت افراد روحانی».
۲. روحانی بودن کافی نیست برای اینکه کسی سلطه حکومتی پیدا کند. جمهوری اسلامی با حکومت‌های روحانیانی که در دنیا می‌شناسیم، در گذشته هم بوده است، امروز هم در نقطه‌هایی از دنیا هست، از نظر متفاوت است. حکومت جمهوری اسلامی، حکومت ارزش‌های دینی است.
۳. ممکن است یک روحانی ارزش‌هایی را حائز باشد که از بسیاری از روحانی‌ها برتر باشد؛ او مقدم است؛ اما روحانی بودن هم موجب نمی‌شود که از کسی سلب صلاحیت شود. نه به تنهایی روحانی بودن صلاحیت‌آور است، نه روحانی بودن موجب سلب صلاحیت است.
۴. این حکومت دین است، نه حکومت یک صنف خاص و یک مجموعه خاص.
۵. رفتن به سمت حکومت و رفتن به سمت هر چیزی غیر از حکومت، اگر برای دنیا شد، بد است؛ ... اگر هدف، دنیاست، مردود است؛ حکومت و غیرحکومت ندارد.
۶. اگر رفتن به سمت حکومت با هدف معنوی است، با هدف الهی است، این از برترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است؛ از برترین مصادیق مجاهدت است؛ این قبول مسئولیت‌های سنگین است، یا دفاع از مسئولان صاحب صلاحیت است.
۷. اگر روحانی حکومتی به آن کسی گفته می‌شود که برای ادای دین خود، برای ادای مسئولیت شرعی خود، برای خاطر خدا از نظام اسلامی حمایت می‌کند یا از مسئولینی حمایت می‌کند، این ارزش است، این ضد ارزش نیست؛ نداشتن این حالت، ضد ارزش است. مقام‌معظم‌رهبری پس از ارائه این ادله، نتیجه‌گیری می‌کنند که: «پس هیچ کدام از این دو مفهوم - نه مفهوم حکومت روحانی و حکومت آخوندی، و نه مفهوم آخوند حکومتی، روحانی حکومتی - مفاهیم درستی نیست. طرح اینها پس از انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، یک طرح مغالطه‌آمیز است؛ این مفاهیم متعلق به فرهنگ این انقلاب نیست» (همان).

نتیجه‌گیری

بنابر آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که یکی از مهم‌ترین کارکردها و مسئولیت‌های روحانیت انقلابی، حمایت و پاسداری از نظام اسلامی ایران است، از منظر مقام معظم رهبری، علل و عوامل این حمایت چند چیز است. دلیل اول اینکه این نظام، یک نظام اسلام با قوانین فقهی است. دوم اینکه این نظام، محصول آرزوی دیرینه علما و صلحا است و باید در حفظ آن کوشید و سوم اینکه برای تداوم این انقلاب و نظامی که بر پایه دین و فقه اسلامی بنا شده است و آرزوی دیرینه بزرگان دین بوده است، به حمایت همه جانبه روحانیت نیاز است. بر همین اساس چارچوب الگویی «نسبت بین حوزه و نظام اسلامی» بر محور نیاز طرفین به همدیگر است. در واقع می‌توان گفت که از منظر مقام معظم رهبری، نسبت بین حوزه و نظام اسلامی، تعامل، حمایت و نقد دلسوزانه است.



فهرست منابع

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۴/۶/۱۳۷۴.
۲. _____ بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمی قم در مدرسه فیضیه، ۱۴/۷/۱۳۷۹.
۳. _____ بیانات در دیدار جمعی از علما و طلاب حوزه علمی قم و مدارس علمیة تهران ۱۳۶۸/۱۲/۲
۴. _____ بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمی قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.
۵. _____ بیانات در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی، ۱۹/۷/۱۳۹۱.
۶. _____ پیام به جامعه مدرسین حوزه علمی قم به مناسبت تشکیل شورای سیاست‌گذاری حوزه، ۲۴/۸/۱۳۷۱.
۷. _____ پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۰/۳/۱۳۶۹.
۸. _____ سخنرانی در جمع علما و مدرّسان و فضلاء حوزه علمی قم، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰.
۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، سیر حوزه‌های علمی شیعه، قم: مرکز نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی علیه السلام، ۱۴۳۰ ق.
۱۰. محقق، مهدی؛ حاج سیدجوادی، صدر؛ فانی، کامران؛ خرمشاهی، بهاء‌الدین، دائرة المعارف تشیع، تهران: حجتی، ۱۳۷۷.
۱۱. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸.

